

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.

اختصاص ۵۰ درصد هزینه‌های برگزاری جشن نیمه‌شعبان در مشهد به سیل زدگان

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی گفت: «۵۰ درصد هزینه‌های برگزاری جشن‌های دهه مهدویت به‌ویژه شب و روز نیمه‌شعبان بابتکار شورای هیأت مذهبی مشهد و مهدیه، به‌سیل زدگان کشور تخصیص می‌یابد.» حجت‌الاسلام والمسلمین اسدالله اسدی با بیان این که نیمی از هزینه‌های جشن‌های دهه مهدویت جهت کمک به سیل زدگان کشور در راستای اهداف اسلام ناب محمدی (ص) و انبیا اطهار (ع) به‌نیازمندان حقیقی این روزها اختصاص می‌یابد، افزود: «در حاشیه نشست نوروزی مسئولان جمعیت هلال احمر این استان با آیت‌الله علم‌الهدی نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه مشهد تصمیم‌های خوبی در جهت جمع‌آوری کمک‌های مردمی گرفته شد.» وی افزود: «همچنین طی جلسه‌هایی که با متولیان مهدیه مشهد برگزار شد، مقرر شد که ۵۰ درصد هزینه‌های برگزاری جشن‌های دهه مهدویت به‌ویژه شب و روز نیمه‌شعبان، مهدی پسند به سیل زدگان کشور تخصیص یابد.»

گزارشی از خوبی‌ها و بدی‌هایی که سیل این روزها به خوزستان تحمیل کرده است

بوی گندم‌های سیل زده

دارد و نتایجی که بر جا می‌گذارد، متفاوت است، در گلستان و لرستان تنها دو شهر به شکل جدی درگیر شدند و خسارات زیادی دیدند. در گرگان زیاد خانه‌ها را خراب نکرد و زمین‌های کشاورزی و وسایل زندگی مردم را از بین برد، در معمولان و پلدختر گل اصلی‌ترین مصیبت سیل شد و خانه‌ها چندین روز پس از تمام شدن سیل هنوز دارند با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تبعات سیل در خوزستان متفاوت بود و البته که وجه اشتراکاتی با سیل‌های دیگر داشت، مثلا مردم خوزستان مانند مردم آق قلا و گمیشان سیل‌بند زیاد ساختند یا این که مانند آنها زمین‌های

کشاورزی زیادی را از دست دادند، یا این که مانند لرستانی‌ها وسایل خانه‌شان در آب ماند. اما سیل در خوزستان داستان‌هایی هم داشت که با سیل‌های دیگر متفاوت بود. در گزارش زیر به بخشی از آسیب‌هایی که سیل خوزستان داشت، پرداخته‌ایم، همچنین به مواردی اشاره کرده‌ایم که مردم خوزستان این روزها در اوج جنگ با سیل، با آنها درگیرند؛ از مارهایی که از گفته می‌شود پشت سدها آمده‌اند گرفته تا گندم‌هایی که بوی‌شان این روزها تمام دشت را گرفته و از دست دادن‌شان برای روستاییان درد عجیبی است.

سَمیرا زمانی | سیل خوزستان دیرتر از دیگر شهرها صدایش درآمد، امدادگران همگی از چهارم فروردین ماه در خوزستان درگیر سیل شدند، اما داستان برای مردم و رسانه‌ها آنقدرها هم جدی نشده بود، از روز سیزدهم به‌در سیل خوزستان رنگ دیگری به خودش گرفت. هلال احمری‌ها هشدار آماده‌باش گرفتند و سیل حرف تمام مردم خوزستان شد؛ سیلی که تا امروز باعث شده ده‌ها روستا زیر آب بروند و سدها روستای دیگر راه ارتباطی‌شان را از دست بدهند و مردم آنها در پشت‌بام خانه‌های زیر آب رفته گرفتار شوند. سیل اما در هر اقلیم و شهری شکل متفاوتی



کارون و این که مافقط جاده ساحلی روداشتیم

در اهواز اما همه نگران کارون هستند، تمام پزیشان به مسافران همیشه ساحل کارون بوده است و حالا با حسرت به کارون نگاه می‌کنند و درختان ساحلی آن که فقط شاخه کوچکی از آنها از آب بیرون مانده است؛ درختانی که تا پیش از این چندین متر دورتر از لب آب بوده‌اند و محلی برای این که زیلویشان را پهن کنند و آخر هفته را بگذرانند. مردم شهر از این گلایه دارند که چرا در زمان خشکسالی به لایروبی در سست در اطراف کارون فکر نشده بود که امروز آب تا این حد بالا بیاید و معتقدند اگر لایروبی درست انجام می‌شد محال بود کارون تا این اندازه بالا بیاید. البته هنوز هم اهوازی‌ها دست از سر کارون برنداشته‌اند و بازار سلفی بگیران کنار آن این روزها حسابی داغ است.

مارها راهی زمین‌های خوزستان شده‌اند

مارگزیدگی‌ها هنوز آن قدر زیاد نشده، اما در این چند روز چندین بار به اورژانس و هلال احمر مواردی از مارگزیدگی اعلام شده که خوشبختانه تا به حال تلفات جانی نداشته است. به گفته محلی‌های این روزها آب پراز مار است؛ مارهایی که به اعتقاد آنها پشت سدها بوده‌اند و حتی پره‌های قوی خروجی‌های سد نتوانسته جلوی آنها را بگیرد. در چند روز اخیر چندین مورد مارگزیدگی هم اعلام شده، اما محلی‌ها همه بلد هستند با مار گزیدگی چه کار کنند، به همین دلیل تا به حال خوشبختانه این مارها تلفات جانی به سیل‌زدگان نکرده‌اند. محلی‌ها با تعجب از این مارها حرف می‌زنند و این که بسیار بزرگ هستند، یکی از آنها اصلا کوتاه نمی‌آمد و اصرار داشت ماری که دیده‌ام مار بوا بوده است. خیلی‌ها هم از فیلمی که در آن یک دلفین در خوزستان دیده شده، حرف می‌زنند و توجیه‌شان هم این است که وقتی دلفین به این جا رسیده، رسیدن مارها عجیب نیست، بعضی از روستاییان حتی بچه تمساح هم دیده‌اند و معتقدند سیل کم‌کم تعداد بیشتری مار و تمساح را به منطقه می‌آورد. با این وجود، هنوز هم مردم آنقدرها دغدغه مارها را ندارند، با پاهای برهنه در آب راه می‌روند.

شایعاتی که بلای جان خوزستان شده‌اند

در سیل خوزستان شایعات بالای جان شده‌اند و در حالی که همه تلاش می‌کنند منطقه به آرامش برسد و کار امدادی سرعت بیشتری بگیرد، هر روز یک شایعه جورا منتشر می‌کند. در راه برگشت از یک روستا پیرمردی ماشینی را نگه داشت و گفت چرا دو روز است تلویزیون دیگر زنده سدا را پخش نمی‌کند؟ پیرمرد اصرار داشت که حالا که دو روز است تصاویر زنده از سدا را قطع کرده‌اند، حتما سدا شکسته، اما به آنها نمی‌گویند. از این دست حرف‌ها در مناطق سیل‌زده خوزستان کم نیست؛ هر روز شایعه سوراخ شدن بخشی از سدا کر خه دهان به دهان می‌چرخد یا این که سدا دز از چند نقطه شکسته و همین روزهاست که بشکنند. در سوسنگرد هم دايم اصرار بر این وجود دارد که می‌شد این شهر را نجات داد، اما به خاطر تأسیسات نفتی این کار را نمی‌کنند، شایعاتی که علی‌رغم تمام تکذیب‌ها همچنان دهان به دهان می‌چرخد.

سیل و بلای که سر گندم‌ها آورد

گندم‌ها در اصلی روستاییان شده‌اند، خیلی‌ها قبل از این که حرف از خانه‌های زیر آب رفته‌شان بزنند، برای گندم‌هایی که بنا بود به همین زودی درو کنند، اشک می‌ریزند. گندم‌ها در خوزستان داستان دارند، بسیاری از روستاییان کارشان کشت گندم است؛ برای این کار معمولاً یاوام می‌گیرند. یا پول قرض می‌کنند یا اندک سرمایه‌ای که دارند را صرف آماده‌سازی زمین و کشت می‌کنند. چند ماه به زمین رسیدگی کرده و در نهایت در فصل بهار گندم‌ها را درو می‌کنند. این داستان بسیاری از کشاورزان خوزستانی است که این روزها اسم‌شان سیل زده شده است، سیل برای این کشاورزان جدای از این که خانه و زندگی را از بین برده، زمین و گندم‌شان را هم از آنها گرفته و این یعنی زندگی‌شان به صفر می‌رسد و از ابتدا همه چیز را شروع کردن همراه با بدهی‌ای است که بنا بود بعد از برداشت گندم‌ها پس بدهند.

از دیروز در راه رسیدن به روستاهای اطراف اهواز بوی نامطبوعی به مشام می‌رسد، محلی‌ها می‌گویند این بواز گندم‌هایی آمده که زیر آب مانده و فاسد شده‌اند، حال نخل‌ها خوب است و اگر چندین روز زیر آب بمانند، برای‌شان اتفاقی نمی‌افتد و حتی حال‌شان بهتر می‌شود، چرا که بعد از چندین سال بی‌آبی سیراب می‌شوند. نیشکرها هم اوضاع بهتری نسبت به گندم‌ها دارند، بسیاری از مزارع نیشکر هنوز زیر آب ترفته‌اند و به گفته مردم اگر هم بروند، آب تادو روز به آنها آسیبی نمی‌زند، اما تحمل گندم برای زیر آب ماندن تنها چند ساعت است و بعد از گذشتن این زمان فاسد می‌شود. این اتفاق برای بسیاری از مزارع گندم در خوزستان افتاده است و اهالی به این فکر می‌کنند که زیر بار این اتفاق چگونه کمر راست کنند.

آب شور، ترس مردم سیل زده برای روزهایی که سیل تمام می‌شود

دغدغه دیگر کشاورزان آب شور است؛ بسیاری از آنان می‌گویند آبی که پشت سدا بوده، آب شور است که با آب‌های دیگر ترکیب شده و حالا وارد زمین‌های‌شان شده است و این آب شور آسیب به زمین‌ها را تنها محدود به از دست رفتن محصول امسال نمی‌کند، زمین‌ها خراب می‌شوند و سال دیگر حتی اگر امکان کشت هم باشد، محصول به این دلیل به برداشت نمی‌رسد. گندم و صیفی‌جاتی مانند گوجه اصلی‌ترین محصولات هستند که در خوزستان کشت می‌شوند و آب شور از نظر کشاورزان کشت درست آنها را تقریباً دو برابر می‌کند. البته این حرف تا به حال با هیچ مبنای علمی تأیید نشده و هیچ کدام از کارشناسان آن را تأیید نکرده‌اند، با این حال در مناطق سیل‌زده خوزستان دهان‌به‌دهان چرخیده و نگرانی‌ها را برای مردم چندین برابر کرده است.

سیل بندها، تجلی امیدوهرامی مردم در خوزستان

سیل بندها این روزها تجلی امید و همراهی مردم در خوزستان شده‌اند، مردم شبانه‌روز در حال پر کردن کیسه‌های پراز شن و خاک هستند تا از ورود سیل به شهر یا روستایشان جلوگیری کنند. کاری که تا به حال در خیلی از نقاط موفق بوده یا این که توانسته شدت آب را پایین بیاورد. مردم کاملاً خودجوش این کار را می‌کنند، گیر آوردن کیسه و ماشین آلات سنگین که هر دو لازمه ساختن سیل بندهاست کار ساده‌ای نیست، اما کوتاه نمی‌آیند. حتی کسانیکه خانه‌شان در اهواز است مرخصی گرفته‌اند و برای ساختن سیل بندها به کمک مردم می‌آیند. کاری که راحت نیست و به کندی پیش می‌رود، اما تمام که می‌شود مردان و کودکانی که برای ساختن آن تمام جان‌شان را گذاشته‌اند بیل به دست و گلی می‌رقصند و شعر می‌خوانند و به زنان روستا مژده دور شدن خطر می‌دهند. تمام امیدزنانی که در اردوگاه‌های اضطراری ساکن شده‌اند هم به همین است که شوهران و پسرانشان دارند سیل بند می‌سازند و آب به خانه‌هایشان نمی‌رسد.